

متهمان در بازسازی صحنه قتل زوج میان سال فاش کردند

# پشت پرده جنایت در خانه ویلایی!

روایت درز دان نقابدار از لحظه رویارویی با طعمه های وحشت زده



متهمان هنگام تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی میرزایی

این بار داستان های ساختگی فایده ای نداشت و متهمان باید در حضور قاضی باتجربه ویژه پرونده های جنایی، جزئیات این جنایت را مو به مو بازگو می کردند و به طور عملی نیز به بازسازی صحنه قتل زوج میان سال می پرداختند. نورافکن ها و دوربین عوامل بررسی صحنه جرم روشن شد. همراه های گریز به بن بست خورد ده بود و ناصر (متهم اصلی) به هر دری می زد تا صحنه جنایت را به آشفنگی بکشاند اما همه تیر هایش به سنگ می خور داقاضی میرزایی که گویی قصه های متهم را از قبل حفظ کرده بود، هیر بار سند و مدرک انکار ناپذیری را از کیف جادویی اش بیرون می کشید و مقابل چشمان حیرت زده متهم قرار می داد و باز داستان عقیم می ماند. دیگر همه حاضران از شنیدن قصه های تمام گشته شده بودند که ناگهان متهم ۲۷ ساله با چشمانی اشک بار لب به اعتراف گشود و تصمیم گرفت حقیقت ماجرا را بیان کند. قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب که همچنان باطمینانه و آرامش به همه داستان ها گوش داده بود، با تفهیم موادی از قانون مجازات اسلامی از او خواست مقابل دوربین قوه قضاییه را گیر کرد و واقعیت این ماجرا را تلخ را بازسازی کند.

به گزارش اختصاصی خراسان، قبل از آغاز

**سجاد پور** - در میان کلاف پیچیده ای که ده ها سرخ بریده داشت، دست و پامی زد. هر بار قصه ای سرهم می کرد تا فرجام جنایت را به درز دان نقابدار اجاره ای برساند اما هر سرخی را از این کلاف سر در گم بیرون می کشید، خیلی زود و تنها با یک سوال قاضی به انتهای می رسید و داستان ساختگی باز هم عقیم می شد ولی این بار ساعت ها در خلوت کشید که با انگیزه سرعت لوازم طلاها را زوج میان سال را قبل رسانده اند! او به قاضی ویژه قتل عمد مشهد گفت: تا به حال آن چه گفتم دروغ بود، من به تنهایی آن ها را انکشتیم! دو روز قبل از کشف اجساد به قلندر آباد فریمان رفتم و دو جوان کربستانی را با خودم همراه کردم. به آن ها گفتم: «به مرد ۶۱ ساله صاحبخانه، سه وطن دارم چرا که همواره به گونه ای مر موز به همسر من نگاه می کند!» سپس از آن ها خواستم برای قتل با من به مشهد بیایند و در عوض این همه را، هر چه لوازم می خواهند از خانه ویلایی سرقت کنند. بعد هم سواری خودروی نیبای خاکستری به مشهد آمدم، من بیرون منزل ایستادم و آن ها به داخل رفتمند، با شروع سرو صدا من هم داخل پذیرایی رفتم و مرد ۶۱ ساله را با چاقو قتلش! ولی از چگونگی قتل همسر او اطلاعی ندارم چرا که همدستان او در اتاق خواب به قتل رسانده اند... گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، به دنبال اعتراضات ناصر، گروه ویژه کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با صدور دستورات محرمانه ای از سوی قاضی کاظم میرزایی عازم قلندرآباد شدند و دو سارق نقابدار را در پایتختی های سیاه به دام انداختند و بازرسی از مخفیگاه آنان، مقادیر زیادی لوازم سرقتی را کشف کردند. بنابر این گزارش، با انتقال متهمان به مشهد، پشت پرده هولناک «جنایت در خانه ویلایی» در حالی فاش شد که آن ها از لحظه ترسناک رویارویی با طعمه ها سخن گفتند!

## مرگ شرور مسلح در شلیک شبانه پلیس

**توکلی** - در درگیری شبانه پلیس، یک شرور مسلح به هلاکت رسید و دو نفر دیگر زخمی و دستگیر شدند. فرمانده انتظامی استان کرمان در تشریح جزئیات این خبر بیان کرد: مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر با انجام اقدامات اطلاعاتی از ورود عوامل شرارت و سارقان مسلح به شهر کهنوج از طریق محور قلعه گنج با یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ آگاه شدند و بی درنگ موضوع را به صورت ویژه در دستور کار خود قرار دادند. به گزارش خبرنگار ما، سردار «ناظری» افزود: ماموران بلافاصله با تشکیل چند گروه زنده و مجرب در ورودی شهر کهنوج مستقر شدند و خودروی مدنظر را مشاهده کردند و به آن دستور

ایست دادند. وی تصریح کرد: افراد شرور با مشاهده ماموران اقدام به تیراندازی کردند که با هوشیاری و برتری آتش مأموران طی این درگیری مسلحانه، یک نفر از اشرار به هلاکت رسید و دو نفر دیگر زخمی و دستگیر شدند. این مقام ارشد انتظامی خاطر نشان کرد: در پاک سازی منطقه درگیری، یک قبضه سلاح کلاشینف، چهار تیغه خشاب و ۱۳۵ فشنگ جنگی کشف و خودروی آنان نیز توقیف شد. وی یادآور شد: شرور به هلاکت رسیده سوابقی همچون اخلال در نظم و امنیت عمومی از طریق تیراندازی، حمل و نگهداری سلاح و قدرت نمایی، اخاذی، زورگیری و سرقت مسلحانه در شهرستان های جنوبی را در کارنامه سیاه خود دارد.

## هشدار درباره قاچاق گندم

از انتقال ۷۹ تن گندم قاچاق به خارج از کشور جلوگیری شد

**کرمانی** - پلیس کرمان از انتقال بیش از ۷۹ تن گندم قاچاق به خارج از کشور جلوگیری کرد. فرمانده انتظامی استان کرمان از کشف دو محموله گندم قاچاق طی دو عملیات پلیسی در کرمان خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما سردار عبدالرضا ناظری «گفت: در عملیات نخست، ماموران پلیس آگاهی شهرستان بم هنگام کنترل محور «بم - زاهدان» به دو دستگاه تریلی کشنده مشکوک شدند و آن ها را متوقف کردند. وی افزود: ماموران در بازرسی از تریلی های متوقف شده، ۵۳ تن و ۲۵۰ کیلوگرم گندم را کشف کردند که از استان فارس به قصد خروج از کشور باگیری شده بود. این مقام ارشد انتظامی ادامه داد: در عملیات دوم، ماموران پلیس امنیت اقتصادی کرمان نیز از یک دستگاه تریلر در محور کرمان بم ۲۶ تن گندم قاچاق را کشف کردند. وی خاطر نشان کرد: در مجموع طی این دو

عملیات ۷۹ تن و ۲۵۰ کیلوگرم گندم قاچاق کشف و برابر اعلام کارشناسان ارزش آن، بیش از دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال برآورد شده است.

وی در پایان از دستگیری سه متهم و توقیف سه دستگاه تریلر خبر داد و تصریح کرد: متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی، تحویل مراجع قضایی شدند. براساس این گزارش، باتوجه به اختلاف قیمت گندم در داخل با آن سوی مرزها و تفاوت چشمگیر ریال با دیگر ارزها، احتمال قاچاق گندم و خروج غیرقانونی آن زیاد است.

**باتیبه فیش خج**  
**به سرزمین وحی سفر کنید**  
**خرید - فروش - نمتج - عمده**  
**نیش معلم ۱۳ - پلاک ۱**  
**۶۹ - ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵**

«فراخوان شناسایی سرمایه گزار جهت احداث میدان بار»

**شهرداری نیشابور** در نظر دارد از طریق مشارکت با بخش خصوصی مبادرت به احداث میدان بار جدید در خارج از محدوده و داخل حریم شهر نیشابور نماید. لذا بدینوسیله از کلیه مالکین که دارای زمین مناسب حداقل به مساحت ۲۰ هکتار در ضلع غرب شهر نیشابور می باشند و قصد مشارکت در پروژه مذکور را دارند دعوت بعمل می آید درخواست خود را به همراه کپی سند مالکیت و کروکی دقیق زمین از تاریخ درج آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۹۹/۲/۱۲ به دبیرخانه شهرداری به آدرس: نیشابور - میدان امام خمینی (ره) - ساختمان ستاد شهرداری ارائه نمایند.

## حوادث



عکس ها اختصاصی بار نیل

لیتری بنزین را در نقاط مختلف خانه ریختم و آن جارابه آتش کشیدم ولی دوروز بعد دستگیر شدم! گزارش خراسان حاکی است، در ادامه سعید و هادی (دزدان اجاره ای) نیز مقابل دوربین قرار گرفتند و در اظهاراتی هماهنگ گفتند: لحظه ای که با نقاب وارد خانه ویلایی شدیم، آن زوج کنار یکدیگر نشستند و بودند فیلم تماشایی کردند. آن ها بادیچن چهره پوشیده و رفتارهای پر خاشگرنه مان به شدت ترسیدند. وحشت زده التماس می کردند که کاری به آن هانداشته باشیم و می گفتند: هر چه می خواهید با خودتان ببرید ولی به مارحم کنید! با این حال ما قصد قتل نداشتیم و از ابتداهم قرارمان این نبود! ما فقط برای سرقت آمده بودیم و تا هنگامی که دستگیر شدیم نیز از ماجرای قتل و حادثه آتش سوزی اطلاعی نداشتیم! وقتی لوازم را در حیاط جمع کرده بودیم تادرین خودرو ببریم، ناصر به بهانه بستن شیر آب بالا رفت که حدود ۱۵ دقیقه طول کشید. سپس به قلندرآباد رفتم و مقداری از طلاها را در نانوائی مخفی کردیم و تلویزیون را هم به یکی از اهالی محل فروختم ولی هنوز پول آن را نگرفته بودیم که دستگیر شدیم.

### سابقه خبر

صادر شد که گروه زبده ای از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ علی بهرامزاده (رئیس دایره قتل عمد) به رصد های اطلاعاتی پرداختند و طی ۴۸ ساعت این متهم ۲۷ ساله را به دام انداختند.

در پی اعتراضات متهم، دیگر همدستان وی نیز در قلندرآباد فریمان به چنگ قانون افتادند و این گونه پرونده جنایی دیگری با نظارت مستقیم سرهنگ جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) به نتیجه رسید.

گزارش خراسان حاکی است، ششم اردیبهشت امسال، نیروهای آتش نشانی در پی تماس اهالی خیابان امامت ۶۲ عازم یک خانه ویلایی شدند و شعله های آتش را که از چند نقطه زبانه می کشید خاموش کردند اما بنمایان شدن اجساد یک زوج میان سال با دست ها و پاهای بسته، ماجرای آتش سوزی جنایی شد و تحقیقات میدانی قاضی کاظم میرزایی با بررسی ریزبینانه همه جوانب، به سوی مستاجر طبقه اول محل جنایت کشید و بدین ترتیب دستور دستگیری وی در حالی

## حرکت های ترسناک «مشاء»!

۲۰ روز پس از زلزله ۵/۲ ریشتری، دیروز زمین لرزه ۴/۴ ریشتری تهران را لرزاند

احتمالاً پس لرزه زلزله قبلی تهران بوده و روی همان گسل مشاء رخ داده است. او درباره این که وقوع این زلزله نشانه پایان پس لرزه هاست یا نه، توضیح داد: نمی توانیم با قطعیت چنین حرفی بزنیم. بسیاری از اوقات دوزل زلزله با بزرگای بالای ۴ ریشتری با یک زوج زلزله بارهم رخ می دهند و بعد یک زلزله شدیدتری آید. این موضوع در نیال رخ داده است. زارع افزود: برای مردم نمی توان توصیه ای داشت، اما بهتر است مسئولان برای هر اتفاقی آماده باشند. وی درباره اظهارات مربوط به اتمام انرژی گسل گفت: این هم یک سناریو است و ممکن است این آخرین اتفاق رخ داده مربوط به زلزله ۵/۲ ریشتری باشد و بعد هم هیچ اتفاقی رخ ندهد.

که گسل مشاء در حال حرکت است، اما شدت این لرزه طوری نبوده که بخوایم تمامی دستگاه ها را به صورت ویژه و آماده باش در بیآوریم. کرمی محمدی درباره خسارات زلزله نیز گفت: این لرزه در تهران خسارتی نداشته و گزارشی در این خصوص دریافت نکرده ایم. وی از مردم خواست که به جای ترس و نگرانی از زلزله آمادگی خود را برای مواجهه با آن افزایش دهند چرا که تهران در موقعیتی زلزله خیز واقع شده و آن چه می تواند خسارات زلزله احتمالی را کاهش دهد، نه ترس و وحشت که آمادگی و آموزش است. مهدی زارع، استاد پژوهشگاه زلزله شناسی، درباره این زلزله به خبرنگارن این گفت: می توانیم بگوییم این زلزله با بزرگای ۴/۴ ریشتر،

نوبت اول	<p><b>آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی</b></p> <p>شماره مجوز: (۱۰۴۰/۱۳۹۷)</p> <p><b>شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید:</b></p>	<p><b>شماره تقاضا و مناقصه</b></p> <p><b>شرح مختصر اقلام درخواستی</b></p> <p><b>مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار</b></p> <p><b>نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار</b></p> <p><b>مبلغ برآوردی تقافا</b></p>
<b>تقاضای شماره AD-۹۸۴۵۵۲۱ مناقصه شماره R1-۹۹/۰۰۲</b>	<b>خرید قطعات یدکی آتشکارساز گاز و آتش (برند CROWCON)</b>	<b>تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط</b>
<b>پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت ، مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد .</b>	<b>تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۳۳۴۲۰۲/۹ت مورخ ۰۵/۰۶/۹۴ هیئت وزیران می باشد.</b>	<b>آخرین مهلت ارائه پیشنهادات</b>
<b>تیمره: در صورت ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار بصورت وجه نقد ، مبلغ نقدی می بایست به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۲۱۲۱۰۰۴ بانک ملی شعبه عسلیویه بنام پالایشگاه اول شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی واریز و فیش واریزی ارائه شود.</b>	<b>تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط</b>	<b>آخرین مهلت ارائه پیشنهادات</b>
<b>۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال</b>	<b>تاریخ گشایش پاکت های فنی</b>	<b>تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط</b>
	<b>تاریخ گشایش پاکت های مالی</b>	<b>آخرین مهلت ارائه پیشنهادات</b>
	<b>استان یوشهر- عسلیویه ، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی ، پالایشگاه اول</b>	<b>آدرس و تلفن مناقصه گزار</b>
	<b>تلفن: ۴۳۳۹ - ۰۷۳۳۱۳۱۴۳۳۵ فکس: ۰۷۷۳۷۳۴۵۴۱۰</b>	

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت **WWW.SPGC.IR** مراجعه و یا با شماره

**تلفن ۴۳۳۹ - ۰۷۷۳۱۳۱۴۳۳۵ تماس حاصل فرمایند.**

**روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی**

## ۹

در امتداد تاریکی

### سر نوشت سیاه

روزی که با دوستان هم دانشگاهی ام در دورهمشینی های رفقای خارج از دانشگاه شرکت می کردم، حتی برای لحظه ای به این موضوع نمی اندیشیدم که این خوش گذرانی های زودگذر آینده ام را به تباهی می کشاند، به گونه ای که به زودی حرفه ای تبدیل خواهم شد و سال های جوانی ام را پشت میله های زندان می گذرانم، چرا که ...

این هایشی از اظهارات مرد ۲۸ ساله ای است که هنگام سرقت قطعات و اموال داخلی یک دستگاه پراید توسط نیروهای گشت نامحسوس کلاتری شقای مشهد دستگیر شد. این مرد جوان که ۱۰ سال از عمرش را پشت میله های زندان گذرانده، معاشرت با دوستان ناباب را عامل سر نوشت سیاهش دانست و به کارشناس اجتماعی کلاتری گفت: فرزند اول یک خانواده هفت نفره بودم که سه خواهر و یک برادر داشتم. پدرم یک کارگر ساده بود و مخارج زندگی ما را به سختی تامین می کرد. آن روزها در شهرستان قوچان زندگی می کردیم اما روزگار خوبی نداشتیم چرا که پدرم به مواد مخدر اعتیاد داشت و همواره با مادرم در گیر بود. مادر نمی توانست رفتارهای پدرم را تحمل کند به همین دلیل مدام با یکدیگر مشاجره می کردند و در نهایت با کتک کاری و قهر به این ناسازگاری ها و اختلافات خانوادگی پایان می دادند. بالاخره، این کشمکش ها و درگیری ها به طلاق انجامید و آن ها از یکدیگر جدا شدند. پدرم به دنبال سر نوشت تاریک خودش رفت و من و خواهرانم نیز نزد مادرمان ماندیم. او دبيلم خیاطی اش را از صندوقچه بیرون آورد و با دوخت و دوز لباس های مردم مخارج تحصیل ما را فراهم می کرد. چند

سال بعد پدرم به دلیل عوارض قلبی و ربوی از دنیا رفت و من در واقع، بزرگ خانواده شدم. از همان دوران کودکی به ورزش های رزمی علاقه مند بودم و دوست داشتم روزی بر سکوی قهرمانی بایستم و یک قهرمان ملی لقب بگیرم اما هزینه ثبت نام در کلاس های ورزشی را نداشتم، چرا که مادرم به سختی هزینه های زندگی ما را فراهم می کرد. خلاصه، با تلاش های شبانه روزی مادرم دبيلم گرفتم و وارد دانشگاه شدم. سال آخر تحصیل رامی گذراندم که از طریق یکی از دوستان هم دانشگاهی ام با جوانی خارج از محیط دانشگاه آشنا شدم. او که شغل آزاد داشت، ما را به شب نشینی های دوستانه دعوت می کرد. در همین دورهمی های باسط مواد مخدر نشستم و به قول معروف مصرف تفریحی را آغاز کردم. آرام آرام دوستان دیگر نیز به جمع ما پیوستند و این خوش گذرانی ها ادامه یافت، به گونه ای که هیچ گاه فکر نمی کردم روزی به یک معتاد بدبخت تبدیل می شوم.

تحصیلاتم به پایان رسید و من در حالی وارد بازار کار شدم که معاشرت با دوستان متعاد و خرده فروشان مواد مخدر افزایش یافته بود. زمانی به خود آمدم که دیگر در گرداب اعتیاد دست و پا می زدم. چند بار تصمیم به ترک مواد مخدر گرفتم اما فایده ای نداشت، فقط چند روز زجر می کشیدم و دوباره به مصرف ادامه می دادم. دیگر سر کار هم نمی توانستم بروم و برای تامین هزینه های اعتیاد مجبور به خرید و فروش مواد مخدر شدم ولی طولی نکشید که برای اولین بار طعم زندان را چشیدم. وقتی از زندان آزاد شدم، ۲۶ سال داشتم. مادرم دختری را به من نشان داد تا با او ازدواج کنم و با تشکیل خانواده راه درست زندگی را بیابم.

خلاصه، من و «نقیسه» با یکدیگر ازدواج کردیم و زندگی مشترکمان آغاز شد، اما با وجود علاقه ای که به هم داشتم این زندگی بیشتر از سه سال دوام نداشت چرا که من بین او و مواد مخدر، دومی را انتخاب کردم. در واقع به نوعی سرگذشت پدر و مادرم در زندگی من تکرار شد با این تفاوت که خوشبختانه من فرزندی نداشتم تا اونیز به روزگار من دچار شود! خودممی دانستم که در لجنزار اعتیاد و خلافتکاری لایق بدش نیستم. بعد از طلاق، روزگارم سیاه تر شد. وقتی به مدرک لیسانسم نگاه می کردم و افسوس از نهادم بر می خاست چرا که من هم باید مانند دیگر همکلاسی هایم از موقعیت اجتماعی خوبی بر خوردار می بودم. خلاصه، برای تامین هزینه های اعتیاد به سرقت از داخل خودرو ها روی آمدم. نیمه های شب پس از مصرف مواد مخدر، از خانه بیرون می آمدم و در تاریکی شب قطعات خودروهای پارک شده مانند باتری و کامپیوتر را به سرقت می بردم و به مالخران لوازم مسروقه می فروختم تا حداقل هزینه های یک روز مصرف را به دست آورم. معمولاً به سراغ خودروهایی می رفتم که وسایل ایمنی نداشتند و مالکان، آن ها را در مکان های خلوت و حاشیه ای پارک کرده بودند. بارها دستگیر شدم اما پس از آزادی دوباره به مصرف مواد مخدر آلوده می شدم و این دور تسلسل ادامه می یافت...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی